

# **Origins of Moral Damage Caused by Child Marriage in Imami Jurisprudence and Iranian Law<sup>1</sup>**

**Mahdiyeh Amrollahinia**\*

**Javad Habibitabar**\*\* **Farajollah Hedayatnia Ganji**\*\*\*

(Received: 05/11/2020; Accepted: 30/09/2020)

## **Abstract**

Child marriage has long been one of the most controversial topics in various sciences, including jurisprudence and law, and this phenomenon has been encountered differently in accordance with customs and traditions in different societies and time periods. Regardless of the subject matter, whether it is permissible or not, whether it is criminalized or not, child marriage means the marriage of minor children. This phenomenon can cause moral damage to the child. The origins of this damage may be from the guardian or the spouse. This research has been done by a descriptive-analytical method through studying jurisprudential and legal texts with the aim of identifying the origins of moral damage caused by child marriage. The findings of the study indicate that "non-observance of the child's interests by the guardian", "general enjoyment of the child", "special enjoyment of the child and deprivation of virginity by the spouse" and sometimes "the principle of child marriage" are the most important origins of moral damage caused by child marriage. During the research, these origins and how they cause damage has been studied from a jurisprudential and legal perspective.

**Keywords:** Child Marriage, Moral Damage, Marriage of Children, Kid Marriage.

---

1. This article is taken from: Mahdiyeh Amrollahiniya, "Child Marriage and Its Moral Damage from the Perspective of Jurisprudence and Law", 2020, PhD Thesis, Supervisor: Javad Habibitabar, Faculty of Women and Family, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

\* PhD Student in Women Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, m.amrollahinia@urd.ac.ir.

\*\* Associate Professor, Department of Jurisprudence and Judicial Law, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author), prof.javadhabibitabar@yahoo.com.

\*\*\* Associate Professor, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran, Hedayatnia@iict.ac.ir.

## خاستگاه‌های خسارت معنوی ناشی از کودک‌همسری در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران<sup>۱</sup>

مهدیه امراللهی نیا\*

جواد حبیبی تبار\*\*\* فرج‌الله هدایت نیا گنجی\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹]

### چکیده

کودک‌همسری از دیرباز یکی از موضوعات بحث‌برانگیز علوم مختلف، از جمله فقه و حقوق، بوده است و در جوامع و دوره‌های زمانی گوناگون مواجهه‌های متفاوتی به فراخور آداب و رسوم و سنت‌ها با این پدیده صورت گرفته است. فارغ از موضوع‌شناسی، مجازبودن یا نبودن، جرم‌انگاری شدن یا نشدن این مسئله، کودک‌همسری به معنای به ازدواج درآمدن کودکان نابالغ است. این پدیده می‌تواند موجب ورود خسارات معنوی به کودک شود. خاستگاه‌های این خسارات ممکن است از جانب ولی یا زوج و زوجه باشد. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با مطالعه متون فقهی حقوقی با هدف شناسایی خاستگاه‌های خسارت معنوی ناشی از کودک‌همسری صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که «رعایت‌نشدن مصلحت کودک از جانب ولی»، «استمتاع عام از کودک»، «استمتاع خاص از کودک و ازاله بکارت وی توسط زوج» و بعضاً «اصل تزویج کودک» از مهم‌ترین خاستگاه‌های خسارات معنوی ناشی از کودک‌همسری است که در طول تحقیق این خاستگاه‌ها و چگونگی ورود خسارات معنوی ناشی از آن، از منظر فقهی و حقوقی، بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** کودک‌همسری، خسارت معنوی، ازدواج کودکان، تزویج صغار.

۱. برگرفته از: مهدیه امراللهی نیا، کودک‌همسری و خسارات معنوی ناشی از آن از منظر فقه و حقوق، رساله دکتری، استاد راهنما: جواد حبیبی تبار، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۹.  
\* دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران m.amrollahinia@urd.ac.ir  
\*\* دانشیار گروه فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) prof.javadhabibitabar@yahoo.com  
\*\*\* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران Hedayatnia@iiict.ac.ir

## مقدمه

کودک‌همسری یکی از مسائل پُرفراز و نشیب در جامعه امروزی است که به نظر می‌رسد با گذشت زمان و با وجود تغییر و تحولات بنیادین در برخی باورها، واقعیت‌ها و فرهنگ‌ها، به رغم وجود مظاهر زندگی مدرن، مصادیق عینی کمتری برای آن پیدا شود، اما در عصر حاضر نیز شاهد مقاومت زیرساخت‌های سنتی در مقابل رفتارها و تغییرات فرهنگی در خصوص کودک‌همسری هستیم، تا جایی که مطالعه در نظام‌های حقوقی، نشان از مبتلابه‌بودن جوامع به مسئله کودک‌همسری دارد.

فقه امامیه، حقوق موضوعه ایران و اسناد بین‌الملل از واژه «کودک» قرائت‌های متمایزی دارند. نقطه اشتراک سه دیدگاه، نرسیدن فرد به رشد لازم است و اختلاف نظرشان در مصادیق و همچنین ملاکات رشد است. برخی ملاک رشد را بلوغ جنسی، برخی سن خاص و برخی بلوغ اجتماعی پنداشته‌اند.

فارغ از اختلاف مبانی که برای هر یک از سه دیدگاه وجود دارد، مراد از «کودک» در این نوشتار کودک نابالغی است که بنا بر دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه اختیار نفس خویش را ندارد و نمی‌تواند اقدام به ازدواج کند؛ ولیّ وی، او را به تزویج کسی درمی‌آورد، این تزویج می‌تواند باعث ورود خسارت‌های متعدد به کودک شود که عامل آن خسارت‌ها، ولیّ و شخصی است که کودک را به همسری اختیار می‌کند.

از جمله خسارت‌های کودک‌همسری، خسارت‌های معنوی است؛ خساراتی که به شرافت، احساسات، عاطفه، و منزلت اجتماعی کودک وارد می‌شود و موجب تأثر درونی یا کاهش اعتبار و ارزش او، و نیز آزرده‌گی خاطرش می‌شود. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، با بررسی فقهی-حقوقی، در صدد تبیین خاستگاه‌های خسارات معنوی واردشده بر کودکان است که در اثر تزویج آنها به دست ولیّ قهری تحقق می‌یابد. از این‌رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که: قلمرو و خاستگاه‌های ورود خسارت معنوی به کودکانی که به تزویج درمی‌آیند چیست؟

### ۱. خسارت معنوی کودک‌همسری

اصطلاح «خسارت» در حوزه کودک، تفاوت مفهومی با خسارت در حوزه‌های دیگر ندارد و به دو نوع مادی و معنوی تقسیم می‌شود. مفهوم کلی «خسارت» به معنای

صدمه، آسیب، ضرر و زیان است. در اصطلاح حقوقی، «خسارت» در دو معنا استعمال؛ گاه قانون‌گذار آن را به معنای ضرر به کار برده و گاه به معنای چیزی که برای جبران ضرر پرداخت می‌شود (صفایی، ۱۳۵۱: ۲۹/۲). در عرف قضایی نیز مفهوم «خسارت» با «ضرر» مترادف دانسته شده که شامل زیان‌های مادی و معنوی می‌شود. مراد ما از «خسارت» در این نوشتار معنای نخست از استعمالات حقوقی است که به دو نوع مادی و معنوی تقسیم می‌شود.

خسارت معنوی که محل بحث است، جریحه‌دارکردن و لطمه‌زدن به بعضی از ارزش‌ها است که جنبه معنوی دارد (ابوالحمد، ۱۳۴۹: ۹)، یا ضرر و زیانی است که به حیثیت، شرافت و آبرو، عواطف و احساسات اعم از دوستی و خانوادگی و مذهبی شخص وارد شده باشد یا تجاوز به حقوق غیرمالی انسان به شمار می‌رود، حتی درد و رنجی که در نتیجه حادثه‌ای عارض شخص می‌شود «خسارت معنوی» نامیده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۲۶۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۲۱/۱؛ صفایی، ۱۳۵۵: ۲۴۰). به عبارت دیگر، خسارت معنوی به آسیب و ضرری گفته می‌شود که به نفس، منزلت اجتماعی، موقعیت خانوادگی یا شغلی انسان وارد می‌شود و موجب تأثر درونی یا کاهش ارزش و اعتبار می‌گردد و به طور خلاصه در زبان عرف، آسیب به سرمایه یا دارایی معنوی شخص را «خسارت معنوی» می‌نامند (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۴۶/۱). البته تعیین مصداق خسارت و ضرر معنوی طبق نظر برخی از فقها عرفی است و با توجه به تنوع خسارات معنوی تعیین مصداقش نیز به عرف واگذار شده است (نراقی، ۱۳۷۵: ۵۷).

بنابراین، خسارت معنوی، خسارت غیرمالی غیربدنی است که بر شخص و شخصیت فرد وارد می‌شود و مستقیماً جنبه مالی ندارد، مانند لطمه به روح و جسم، اعتبار، احساسات و عواطف، یا هر گونه خسارت و ضرر غیرمالی که به شرافت و حیثیت شخص وارد می‌شود. مقصود ما نیز از خسارت‌های معنوی، خساراتی است که چهره مالی و اقتصادی ندارد ولی سبب رنجش روحی‌روانی و لطمه به حیثیت، شرافت و حقوق غیرمالی انسان می‌شود.

برای روشن شدن موضوع کودک‌همسری لازم است واژه «کودک» بررسی مفهومی شود؛ در استعمالات عرفی و لغوی به فرزند انسان، از زمان تولد تا بلوغ، «کودک»، «صبی»، «صغیر»، «نابالغ» و «طفل» گفته می‌شود (انوری، ۱۳۸۱: ۵۹۸۹/۶؛ راغب اصفهانی،

۱۴۱۲: ۵۲۱). فقها و حقوق‌دانان نیز رابطه تنگاتنگی بین مفهوم «کودک» و «بلوغ» قائل‌اند، بدین معنا که هر فردی که به بلوغ نرسیده باشد به او «کودک» و «طفل» اطلاق می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۳۵۲/۳). استعمال واژه «طفل» در حقوق موضوعه نیز بعضاً مشهود است که در برخی مواد تعریفی نیز از آن داده شده است؛ در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی درباره بزهکاری اطفال آمده است: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسئولیت کیفری هستند». تبصره یک، ذیل این ماده درباره کودک چنین تصریح می‌کند: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». بیشتر فقهای امامیه (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۸۲/۳؛ همو، ۱۳۸۷: ۲۶۶/۱؛ ابن‌حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۱۳۷؛ فاضل‌آبی، ۱۴۱۷: ۵۵۲/۱؛ حلبی، ۱۴۱۷: ۲۵۱؛ حلبی، ۱۴۰۹: ۱۴۷/۱؛ حلبی، ۱۴۲۲: ۳۰۸/۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۳۲/۱۹؛ طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸: ۳۹۷/۵؛ موسوی خویی، ۱۳۹۶: ۴۳۲/۲) پایان‌یافتن دوره کودکی و رسیدن به بلوغ را اماره سنی می‌دانند و معتقدند پسر با اتمام پانزده سال قمری و دختر با اتمام نُه سال قمری از دوران کودکی خارج می‌شوند و به بلوغ می‌رسند که نگارندگان این مقاله نیز این نظر فقهی را پذیرفته‌اند.

در حقوق موضوعه ایران نیز با نگاهی گذرا به قوانین، مشخص می‌شود که در خصوص مواد قانونی مرتبط با کودک، قانون‌گذار گاه فقط به عناوینی همچون «طفل»، «صغیر»، «نابالغ» و «کودک» اکتفا کرده و به سن خاصی اشاره نکرده است (ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی، ۱۲۸، ۱۴۶ و ۳۵۴ قانون مجازات اسلامی). برخی دیگر از مواد قانونی نیز بدون ذکر عناوینی همچون «کودک» یا «صغیر» به سن خاصی تصریح کرده است، مثلاً در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی این‌گونه آمده است که: «هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد» (قانون مدنی، اصلاحی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴). این ماده در قانون مدنی مصوبه سال ۱۳۱۴ تصریح به سن کرده بود و عبارت این‌گونه بود: «هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود». با اصلاحی که در سال ۱۳۷۰ در این ماده صورت گرفت در تبصره یک این ماده سن بلوغ این‌گونه تشریح می‌شود: «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نُه سال تمام قمری است».

در فصل دوم قانون مدنی که درباره قابلیت صحی ازدواج است در ماده ۱۰۴۱ برای ازدواج شرط سنی گذاشته شده و این‌گونه قید شده است که: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن سیزده سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به پانزده سال شمسی منوط به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح». برخی از مواد نیز در قوانین موضوعه، سن را برای انجام دادن برخی امور ملاک دانسته‌اند، مثلاً در ماده ۳۲ قانون ثبت احوال، یکی از شرایط ثبت ازدواج در سجلی، دارابودن سن بیست سال برای زوج و هجده سال برای زوجه هنگام تنظیم اقرارنامه است، یا در قوانینی همچون ماده یک قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، فقط افراد زیر هجده سال را مشمول حمایت‌های کیفری خاص کرده است. این تشتت تعابیر در قوانین تا جایی است که درباره پایان کودکی در مسائل دیگر همچون ماده ۲ قانون خدمت وظیفه و ماده ۷۹ قانون کار و بند الف ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری و در امور سیاسی نیز وجود دارد. در ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز آمده است که: «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود». با این اوصاف پایان کودکی از منظر حقوق موضوعه ایران، اتمام نُه‌سالگی برای دختران و پانزده‌سالگی برای پسران است (تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی)، هرچند در مسائلی همچون مسائل سیاسی و حقوقی قانون‌گذار سن خاصی را ذکر کرده است.

در اسناد بین‌الملل و نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف نیز سن مشخصی ملاک تشخیص کودک بودن لحاظ نشده است؛ حتی تدوین‌کنندگان کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک، هجده سال را نه ملاکی قطعی بلکه معیاری احتمالی برای تعریف مفهوم «کودک» در نظر گرفتند (Convention on the Rights of the Child, 1989, Aarticle 1). همین کنوانسیون در بند ۳ ماده ۳۸، سن منع به‌کارگیری کودکان در نیروهای مسلح را ۱۵ سال قرار داده است. این نوسان سن، نشان از این دارد که تعریف کودک بر اساس سن در این جوامع با دشواری روبه‌رو بوده و هست.

طبق آنچه گفته شد، از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، اماره سنی معیاری برای تشخیص رسیدن به «بلوغ» و پایان کودکی است (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹: ۱۶۶/۲). از این‌رو اگر «کودکی» را با «بالغ‌نبودن» یکسان بدانیم و به تعبیر دیگر واژه «نابالغ» را برای «کودک» استعمال کنیم سخن گزافی نگفته‌ایم، هرچند در ادوار مختلف، برداشت و

استعمال خاصی از لفظ «کودک» شده، و برای ازدواج کردن یا نکردن کودکان به محض رسیدن به بلوغ ارزش‌گذاری صورت گرفته است؛ تا جایی که در برهه‌ای از تاریخ با وجود برخی کارکردهای مناسب و مثبت، ازدواج شخصی که هنوز به رشد اجتماعی نرسیده و صرفاً به بلوغ جنسی رسیده با استناد به روایاتی ارزش به شمار می‌آمده است، از جمله اینکه «هنگام بلوغ فرزندان، زمینه ازدواج آنها را فراهم کنید» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۲۸۹/۱) یا اینکه به جوانان توصیه می‌شد برای حفظ پاک‌دامنی‌شان هر چه زودتر ازدواج کنند (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴۹/۴)، اما در برهه‌ای دیگر از زمان به دلیل تحولات فرهنگی، اجتماعی و همچنین پیشرفت و توسعه صنعتی و اقتصادی و روند مدرنیزاسیون، ازدواج زیر ۱۸ سال ممنوع دانسته شده، و این عمل نامطلوب، «کودک‌همسری» نامیده شده و به این توصیه‌های دینی کمتر عمل شده است.

با همه این اوصاف، طبق مبنای فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، کودک‌همسری به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که دختر یا پسر نابالغ به تزویج کسی درآیند؛ این پدیده به سه صورت متصور است؛ الف. زوج و زوجه هر دو کودک و نابالغ باشند؛ ب. زوج بزرگ‌سال و زوجه کودک باشد؛ ج. زوجه بزرگ‌سال و زوج کودک باشد. هرچند متبادر به ذهن نوع دوم است، اما در این تحقیق هر سه صورت مقصود ما است که تحت قوانین حقوقی و مذهبی یا عرفی با ثبت و بدون ثبت رسمی صورت می‌گیرد، این پدیده ممکن است گاه حقوق کودک را مخدوش کند و باعث ورود خسارت به کودک شود.

با تعریفی که از «خسارت معنوی» و «کودک‌همسری» صورت گرفت، پرسش مهم این است که: قلمرو و خاستگاه‌های خسارات معنوی واردشده بر کودک در کودک‌همسری چیست؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، خاستگاه‌های خسارات معنوی ناشی از کودک‌همسری بعضاً بروز و ظهور دارد که در ادامه این خاستگاه‌ها را تبیین و تحلیل می‌کنیم.

## ۲. خسارت معنوی ناشی از رعایت‌نشدن مصلحت از جانب ولی

رعایت‌نشدن مصلحت از جانب ولی کودک، یکی از خاستگاه‌های خسارت معنوی در کودک‌همسری است. در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی این‌گونه تصریح شده است: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال

تمام شمسى منوط است به اذن ولى به شرط رعايت مصلحت با تشخيص دادگاه صالح؛ بر اساس اين ماده، ولى بايد مصلحت را در تزويج صغار رعايت کند. در فقه اماميه نيز اصل اين موضوع که ولى طفل در نکاح او ولايت دارد (مفيد، ۱۴۱۰: ۵۱۰؛ علم الهدى، ۱۴۲۵: ۲۸۸؛ حلى، ۱۴۱۳: ۱۵/۳؛ همو، ۱۳۷۴: ۱۱۷/۷؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۱۱۸/۷؛ يزدي، ۱۴۲۱: ۶۳۳/۵؛ فاضل موحدي لنگراني، ۱۴۲۱: ۸۹) مسلم تلقى شده، اما در خصوص اينکه ولى قهرى (نه وصى و قيم يا امين) در چه صورتى حق دارد درباره امور موکلى عليه تصميم بگيرد، موضوعى اختلافى در فقه اماميه است؛ يعنى آيا مداخلات او لابشرط يا بشرط لا يا بشرط شىء است؟ و به عبارت ديگر، آيا پدر يا جد پدرى طفل هر گونه که مايلى باشد مى تواند در امور فرزند يا نوه اش مداخله کند يا اينکه مداخلاتشان به شرط نبود مفسده است يا اين مداخلات، افزون بر اينکه مفسده اى نبايد داشته باشد، بايد موجب جلب منفعت هم بشود؟ (حبيبي تبار، ۱۳۹۸: ۳۳۲). مشهور فقها معتقدند در اعمال ولايت پدر، وجود مصلحت شرط است (حلى، ۱۴۱۴: ۲۴۵/۱۴). برخى هم معتقدند صرفاً نبود مفسده کفايت مى کند؛ و دليلشان اين است که ادله، مقيد به رعايت مصلحت نشده است (موسوى خويى، ۱۴۱۰: ۲۵۵/۲؛ موسوى گلپايگاني، ۱۴۰۹: ۱۵۰/۲؛ حکيم، ۱۴۰۴: ۴۵۶/۱۴).

ثمره تفاوت اين دو ديدگاه فقهى در برخى امور ظاهر مى شود، از جمله اينکه اگر مفسده نداشتن شرط تزويج صغار باشد، دايره اختيارات ولى وسيع تر مى شود و حتى با نبود مصلحت و صرفاً با فقدان مفسده مى تواند فرزند صغير خود را به عقد كسى درآورد؛ اما اگر شرط تزويج ولى وجود مصلحت باشد، چنانچه اين مصلحت احراز نشود عقد باطل خواهد بود (طوسى، ۱۳۸۷: ۲۰۰/۲؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۱۶۶/۳).

آنچه در بحث ما موضوعيت دارد اين است که اگر رعايت مصلحت طفل از جانب ولى صورت نگيرد، باعث وارد شدن خسارت به کودک مى شود. رعايت مصلحت تا جايى اهميت دارد که در تصرفات مالي ولى نيز بايد مراعات شود، چنان که شيخ طوسى مى گويد:

کسانى که بر اموال صغير ولايت دارند، تصرف و دخالت آنان صحيح نيست، مگر اينکه با حفظ احتياط و با در نظر گرفتن سود صغير انجام شود، زيرا ولايت آنان به همين دليل اعتبار شده است؛ بنابراين اگر تصرفات آنان به سود صغار نباشد، باطل و غير نافذ است (طوسى، ۱۳۸۷: ۲۰۰/۲).



چنان‌که در کلام شیخ طوسی مشخص است، شرط ولایت، رعایت منافع کودک است، با این حال چنانچه ولیّ کودک رعایت مصلحت کودک را نداشته باشد و او را به تزویج کسی درآورد یقیناً منافع کودک تأمین نمی‌شود و باعث بروز خسارات به کودک نیز می‌شود. این مطلب که لازم است ولیّ مصلحت کودک را رعایت، و از بروز خسارت به کودک جلوگیری کند در کلام غالب فقها وجود دارد (عاملی نبطی، ۱۴۱۷: ۴۴۱/۳؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۱۶۶/۳؛ اردبیلی، بی‌تا: ۱۴/۴). این فقها به لزوم رعایت مصلحت در مسئله تصرف اموال صغیر تصریح کرده‌اند و با توجه به اهمیت مسئله ازدواج و ترجیح اعراض بر اموال، می‌توان ادعا کرد که به طریق اولویت این فقها درباره تزویج نیز قائل به احراز مصلحت‌اند.

البته به تناسب زمان و مکان و اقتضائات فرهنگ‌های مختلف برداشت‌های متفاوتی از «مصلحت کودک» وجود دارد؛ چه بسا در اوضاع و احوالی، تصرف ولیّ در امور کودک به صلاح کودک باشد، اما در اوضاع و احوال دیگری، فاقد مصلحت باشد، بلکه صلاح در ترک آن باشد. نمونه بارز این نکته، ملاحظه مصلحت در کودک همسری است. برخی از فقها معتقدند در زمان ما نمی‌توان مصلحتی برای کودک همسری لحاظ کرد. مثلاً در پاسخ به این استفتاء که «آیا ازدواج در سن زیر ۱۳ سال حرام است؟» این‌گونه پاسخ داده‌اند که در گذشته این اجازه به اولیا داده می‌شد که حتی برای صغیر همسری انتخاب کنند و معمولاً مشکلی ایجاد نمی‌شد، ولی در عصر و زمان ما عملاً ثابت شده است که این ازدواج‌ها به مصلحت دخترها و پسرها نیست و مفاسدی دارد و با توجه به اینکه غبطه و مصلحت باید رعایت شود این‌گونه ازدواج‌ها باطل است و اعتباری ندارد. نسبت به آنچه در گذشته انجام شده اگر در آن زمان واقعاً مفسده‌ای نداشته و غبطه صغیر رعایت شده، محکوم به صحت است (مکارم شیرازی، در: مصلحت، کودکی به ازدواج کسی درآید، بی‌شک از همین جهت، کودک دچار خسارت معنوی خواهد شد.

در حقوق موضوعه و در تبصره ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی آمده است: «تشخیص مصلحت مولی‌علیه فقط بر عهده پدر و جد پدری است» و چنانچه پدر و جد پدری در تشخیص این مصلحت دچار خطا و لغزش شوند، کیفری شامل حالشان نمی‌شود؛ از

طرفی کودک نیز ناچار است تا رسیدن به سن بلوغ با تمام ضررهای مادی و معنوی، نقش همسری را بپذیرد و پس از بلوغ نیز به فرض اثبات تجاوز ولی قهری از حدود نمایندگی و بر هم زدن نکاح، هیچ چیز نمی‌تواند گذشته دردناک را به او بازگرداند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۷۵ و ۷۶). البته اینکه اگر ولی کودک بدون ملاحظه مصلحت، او را به تزویج کسی درآورد برایش مجازات کیفری لحاظ نشده از خلأهای قانونی است که در جای خود نیاز به تحلیل و بررسی دارد. آنچه در اینجا موضوع بحث است این نکته مهم است که لحاظ نکردن مصلحت می‌تواند باعث خسارات معنوی سنگین به کودک شود.

### ۳. خسارت معنوی ناشی از استمتاع عام

یکی از دشواری‌های اساسی پیش روی کودک همسری، استمتاع از کودک است. طبق نظر مشهور فقها، استمتاع خاص از صغیره حرام است (موسوی خویی، بی‌تا: ۱۲۴/۳۳؛ حکیم، ۱۴۰۴: ۸۰/۱۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱۴/۲۹؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۲۶/۳)؛ و سایر استمتاعات به غیر از وطی مثل تقبیل، لمس کردن، بغل کردن و ... به دلیل اصل اباحه در زوجه نابالغ مجاز دانسته شده است (مرعشی، ۱۴۰۶: ۲۰۸/۲؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۳۰۵/۲؛ سند، ۱۴۲۹: ۱۲۴/۱؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶: ۳۹۶/۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۸۱۱/۲). با وجود همه اختلافات فقهی و حقوقی در این باب، نکته مسلم این است که کودکی که به تزویج کسی درآمده است با تحقق استمتاع عام در معرض خسارت معنوی قرار می‌گیرد.

صورت‌های متعددی را می‌توان برای خسارت معنوی ناشی از استمتاع، برای کودک همسران تصور کرد، از جمله:

۱. کودکی که هنوز به سن بلوغ نرسیده و به ازدواج شخصی درآمده است به هنگام حضور در جمع هم‌سن و سالانش در فضاهای آموزشی و تربیتی، بازگرفتن روابط زناشویی، حیثیتش را خدشه‌دار می‌کند و مهارت‌های ارتباطی‌اش را به مخاطره می‌اندازد و باعث بروز خسارت معنوی به او می‌شود و چه‌بسا نقل این مطالب در بین کودکان نیز عفت عمومی را به مخاطره بیندازد. از این باب می‌توان اصل تزویج صغار به حکم ثانویه را جایز ندانست.

۲. کودکی که هیچ تصویری از جنس مخالف ندارد وقتی با چنین رفتاری از جانب زوج روبه‌رو می‌شود تمام ساختار روحی و روانی‌اش به هم می‌ریزد و بعضاً ممکن

است خسارت جبران‌ناپذیری به او وارد شود، به طوری که چه‌بسا تا آخر عمر هنگام مواجهه با جنس مخالف احساس هراس کند و از او متنفر شود و تصور صحیحی راجع به ارتباط با همسر نداشته باشد که این خود خسارت دیگری به کودک است که کودک دائم در درون خود از جنس مخالف و حتی از شوهرش نفرت داشته باشد و همیشه خود را شکست‌خورده این نوع روابط بداند؛ زیرا لذت ارتباط با همسر را از دست می‌دهد و این به خسارات و لطمات روحی به کودک می‌انجامد.

۳. کودک اعتماد به نفس خود را در مواجهه با حل مسئله از دست می‌دهد، چراکه در ایام کودکی زمانی که زوج از او استماع داشته و او نتوانسته است مانع رفتار شوهر شود به مرور زمان اعتماد به نفسش را از دست می‌دهد، بدین صورت که در هیچ یک از مسائل زندگی‌اش نمی‌تواند حل مسئله داشته باشد و چه‌بسا خسارت بزرگی از این جهت به وی وارد شود.

۴. استمتاع از کودک احتمال ایجاد روحیه طغیان و تلافی‌جویانه را در وی افزایش می‌دهد، به طوری که عطش انتقام‌جویی در کودک بروز می‌کند و ممکن است در آینده به فردی سرکش و طغیانگر تبدیل شود که بخواهد آسیب‌هایی را که از استمتاعات زوج به وی وارد شده است تلافی کند یا در موقعیتی دیگر خشم از کودکی مانده را تخلیه کند. اینها مصادیقی از خسارات معنوی است که ممکن است از جانب زوج، به جهت استتماعی که می‌خواهد از کودک داشته باشد، بر کودک وارد شود. چه‌بسا با مطالعه ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان نابالغ، مصادیق خسارات معنوی وارد بر کودک بیش از این نیز باشد.

#### ۴. خسارت معنوی ناشی از استمتاع خاص ممنوعه

بر اساس روایات واردشده در باب ازدواج صغیره، استمتاع خاص (مواقعه) با دختر نابالغ صحیح نیست (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۸/۵-۳۹۹ و ۱۰۲/۲۰؛ حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱۰۱/۲۰) و غیر از حکم تکلیفی حرمت که برای زوج است احکام وضعی نیز بر آن بار می‌شود (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۵۳۱/۲؛ حلی، ۱۴۱۳: ۶۴/۷). یکی از موضوعات در این خصوص خسارت ناشی از واقعه با دختر بچه است که برخی جنبه مادی دارد، مثل ازاله بکارت، و بعضاً افضاء است و برخی هم جنبه معنوی به خود می‌گیرد، مثل درد و رنج.

گروهی از فقها نیز یکی از ادله مجازنبودن وطی زوجه نابالغ به جهت ورود خسارت معنوی را احتمال وقوع عیب، آن هم نه عیب جسمی بلکه عیب روحی کودک می‌دانند که ضرر روحی و اختلالات روانی کودک می‌بیند. در چنین شرایطی رابطه جنسی برای کودکانی که از لذت جنسی درک ابتدایی هم ندارند، تبدیل به عذاب می‌شود، زیرا به این سبب که به عنوان ابزاری برای اطفای شهوت دیگری به شمار رفته، شخصیت کودک موجب آسیب می‌شود (علمی سولا و محمدیان، ۱۳۹۲: ۲۰۳). البته گاه ممکن است خسارت معنوی وارد شده رابطه مستقیم با خسارت مادی داشته باشد، به این ترتیب که در صورت دخول و ازاله بکارت، دختر بیچه از جهت روحی و روانی هم به هم بریزد و نتواند از نظر روحی خود را کنترل کند و همین شاید در صورت تحقق افضاء بیشتر نیز شود. البته می‌توان گفت این رفتار موجب افسردگی، بی‌خوابی، فقدان اعتماد به نفس و انزوای کودک نیز می‌شود.

با این حال خسارت معنوی در این خصوص غیر از خسارت مادی است و اگر بنای جبران خسارت باشد، چون ماهیت این دو خسارت با هم متفاوت است علی‌القاعده پرداخت خسارت نیز باید متفاوت و متعدد باشد، مثلاً از باب ازاله بکارت ارش‌البکاره پرداخت شود و از باب ورود خسارت معنوی به کودک، ضمن رفع خسارت از وی، به نحو خاص نیز آن خسارت جبران شود.

##### ۵. خسارت معنوی ناشی از اصل تزویج صغار

گاه صورت مسئله می‌تواند به شکل دیگری باشد، بدین ترتیب که در کودک همسری، ولیّ کودک تمام مصالح او را در نظر می‌گیرد و کودک نیز در معرض استمتاع عام و خاص واقع نمی‌شود؛ با همه این اوصاف اصل تزویج باعث ورود خسارت معنوی به دخترکان و پسرکان می‌شود، بدین نحو که کودک همسران به دلیل تزویج سرزنش می‌شوند و به میزان سرزنش و تقبیح و طعنه، بر نگرانی و اضطرابشان افزوده می‌شود و موجب سلب امنیت روانی و آرامش روحی‌شان می‌گردد.

ازدواج در سن پایین و قبل از بلوغ، کودک را با دنیایی از نیازها و انتظارات برآورده‌نشده مواجه می‌کند. این کودکان به دلیل آنکه نتوانسته‌اند دوران کودکی و نوجوانی‌شان را به درستی طی کنند به مرور دچار بیماری‌های روحی‌روانی می‌شوند

(افتخارزاده، ۱۳۹۴: ۱۱۳). با تزویج کودک شاهد قبول و تحمل مسئولیت زودهنگام و فقدان درک واقعی از زندگی و نقش‌های ناهماهنگ در سنین پایین می‌شویم که سبب می‌شود ارتباط کودک با دوستانش قطع شود و با ورود به خانواده‌ای جدید، دچار اضطراب، رنج، بی‌تابی و فشار عصبی گردد. همچنین، به دلیل ناتوانی در اداره زندگی می‌تواند به خستگی روحی نیز منجر شود.

از نظر عاطفی نیز ممکن است این کودکان رضایتمندی لازم از همسر خود نداشته باشند، آرامش روانی و احساس ارزشمندی‌شان را از دست دهند و همچنین به درک متقابل، نشاط، شادکامی و تعادل روانی نرسند؛ ازدواج‌های زودهنگام می‌تواند سطح مطالبات عاطفی و احساسی همسران را افزایش دهد یا بعضاً منجر به کاهش مطالبات آنها گردد. در مجموع تزویج کودکان موجب از دست دادن احساس رضایتمندی و خشنودی از زندگی می‌شود، سرخوردگی، تحقیر و افسردگی کودکان را به همراه دارد، رابطه عاطفی زن و شوهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب بروز خسارت معنوی می‌شود.

در نهایت و پس از بیان خاستگاه‌های خسارت معنوی ناشی از کودک همسری باید گفت چه بسا حکم جواز کودک همسری به جهت وجود خسارات معنوی در آن، محل مناقشه واقع شود. در نگاه اسلامی، از آنجا که شخصیت فردی و اجتماعی انسان ارزش و احترام دارد، تجاوز به امور معنوی، اعم از توهین به دیگران و تحقیر و سبک‌شمردن آنها غیرمجاز شمرده شده است. طبق آموزه‌های دینی و بر اساس آیات (همزه: ۱؛ حجرات: ۱۱؛ نور: ۱۵)، روایات (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۶۰۸/۸ و ۶۱۰) و اجماع، تعدی به حقوق و صدمه به امور معنوی ممنوع است و حکم تکلیفی نیز در این خصوص حرمت است و طبق قواعد برای از بین بردن زیان، باید ضرر جبران گردد. وجود چنین احکام و ممنوعیت‌هایی می‌تواند عاملی برای بازنگری در حکم جواز کودک همسری شود که در جای خود نیاز به تحقیق مستقل دارد.

جبران خسارت، چه مادی باشد و چه معنوی، هم به دلیل عقل و هم ارتکازات عقلایی و هم قواعد فقهی اثبات‌پذیر است. در حکم عقل از آنجا که عقل، واردکردن هر آسیبی را به دیگری ظلم می‌داند، از همین جهت حکم به جبران خسارت واردشده نیز می‌کند. همچنین، عُقلاً جبران خسارت مالی، بدنی و حیثیتی را لازم می‌دانند. شارع حکیم

نیز حکم عقل و ارتکازات عقلا را در خصوص جبران خسارت معنوی امضا کرده است و قاعده لا ضرر هم بر تدارک و جبران ضرر، اعم از مادی و معنوی، دلالت دارد. در خصوص نحوه جبران خسارت معنوی نیز مجال دیگری برای گفت‌وگو لازم است، اما اجمالاً باید گفت در فقه امامیه ضرر معنوی نیز همچون ضرر مادی و جسمی محل توجه قرار گرفته و راه‌هایی برای جبران آن مطرح شده است. مثلاً ایجاد مزاحمت در قضیه سمره بن جندب یکی از مصادیق ضرر معنوی است که با از بین بردن منبع ضرر جبران می‌شود (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۴۷/۷). گاهی هم جبران مالی برای خسارت معنوی تدارک دیده شده است. مثلاً پرداخت عوض مالی برای ترسی که خالد ابن ولید در اثر تعرض و هجوم بر زنان و کودکان وارد کرده بود، معرف جبران مالی ضرر معنوی است (مفید، بی‌تا: ۴۸/۱).

در مجموع، جبران خسارت معنوی به دو شیوه مالی و غیرمالی تقسیم می‌شود؛ جبران مالی که پرداخت مبلغی پول به منظور رضایت و تشفی خاطر زیان‌دیده است و جبران غیرمالی که شامل امور متعدد از جمله الزام به عذرخواهی در جراید، متوقف کردن فعل زیانبار و از بین بردن منبع زیان است (مدنی، ۱۳۷۶: ۳۸۱/۴). از این رو پذیرفتن جبران مالی و شیوه‌های متعدد غیرمالی خسارات معنوی در فقه و حقوق توجیه‌پذیر است.

### نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، خسارت معنوی به معنای خسارت وارد بر شخص و شخصیت فرد است که مستقیماً جنبه مالی ندارد، مانند لطمه به روح و جسم، اعتبار، احساسات و عواطف، یا هر گونه خسارت و ضرر غیرمالی که به شرافت و حیثیت شخص وارد می‌شود. رعایت نکردن مصلحت از جانب ولی، استماعت عام، و نیز رعایت نکردن ممنوعیت استمتاع خاص از جانب زوج از عوامل بروز خسارت معنوی است. گاهی هم با وجود رعایت مصلحت از جانب ولی و رعایت حقوق کودک از جانب زوج یا زوجه وی، نفس تزویج صغار، عاملی برای بروز خسارت معنوی به کودک می‌شود که ممکن است به همین دلیل، حکم جواز کودک‌همسری محل مناقشه واقع شود.

بر اساس یافته‌های این تحقیق جبران خسارت معنوی در فقه امامیه با استناد به حکم عقل، ارتکازات عقلایی و قاعده لاضرر پذیرفتنی است. همچنین، در قوانین جاری ایران به خسارت معنوی عنایت جدی شده و قانون‌گذار بعضاً خسارات معنوی را از موجبات مسئولیت دانسته و بر لزوم جبران آن تأکید کرده است.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن ادریس حلی، منصور بن احمد (۱۴۱۰). *السرائر*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)*، تهران: نشر جهان.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸). *الوسیلة*، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۴۹). *تحولات حقوق خصوصی*، تهران: دانشگاه تهران.
- اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، تحقیق: علی پناه اشتهرادی، حسین یزدی و مجتبی عراقی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- افتخارزاده، زهرا (۱۳۹۴). «تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام»، در: *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، ش ۳، ص ۱۰۹-۱۵۶.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). *حائث الناظره فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۷). *ترمینولوژی حقوق*، تهران: ابن سینا.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
- حبیبی تبار، جواد (۱۳۹۸). *تشکیل خانواده از منظر فقه و حقوق موضوعه*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- حکیم، سید محسن (۱۴۰۴). *مستمسک العروة الوثقی*، قم: کتاب‌خانه آیه الله مرعشی نجفی.
- حلی، ابن زهره (۱۴۱۷). *غنیة النزوع*، قم: مؤسسه الإمام الصادق (علیه السلام).

- حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹). شرائع الإسلام، تهران: استقلال.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۷۴). مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). قواعد الأحکام، قم: انتشارات اسلامی.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). تذکرة الفقهاء، قم: آل البيت (علیهم السلام).
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۲). تحریر الأحکام الشریعة، تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری، قم: مؤسسه الإمام الصادق (علیه السلام).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
- سند، محمد (۱۴۲۹). سند العروة الوثقی (کتاب النکاح)، قم: مکتبه فدک.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶). هداية العباد، قم: دار القرآن الکریم.
- صفایی، سید حسین (۱۳۵۱). علم اجرای تعهد و آثار آن، تهران: نشریه مؤسسه عالی حسابداری.
- صفایی، سید حسین (۱۳۵۵). مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق ملانی، تهران: مرکز تحقیقات.
- طباطبایی کربلایی، علی بن محمد (۱۴۱۸). ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹). العروة الوثقی، بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: کتابخانه مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). الخلاف، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- عاملی نبطی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۷). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علم الهدی، سید شریف المرتضی (۱۴۲۵). الانتصار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- علمی سولا، محمدرضا؛ محمدیان، علی (۱۳۹۲). «مبانی ممنوعیت استمتاع از زوجه نابالغ در فقه امامیه»، در: مطالعات راهبردی زنان، ش ۶۲، ص ۱۷۷-۲۱۸.
- فاضل آبی، حسن ابن ابی طالب (۱۴۱۷). کشف الرموز، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۱). تفصیل الشریعة (النکاح)، قم: مرکز فقه الائمة الاطهار (علیهم السلام).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). حقوق ملانی خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار.



کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). *حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای*، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا.

- کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۳۵۹). *تحریر المعجزة*، نجف: المكتبة المرتضوية.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی (ط الاسلامیة)*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۶). *حقوق اساسی*، تهران: سروش.
- مرعشی، شهاب‌الدین (۱۴۰۶). *منهاج المؤمنین*، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- مفید، محمد ابن محمد بن نعمان (۱۴۱۰). *المقنعة*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- مفید، محمد ابن محمد نعمان (بی‌تا). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تهران: انتشارات اسلامی.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶). *مبانی تکملة المنهاج*، قم: العلمیة.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰). *منهاج الصالحین*، قم: نشر مدینة العلم.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). *موسوعة الامام الخوئی*، نجف: مؤسسة الخویی الاسلامیة.
- موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳). *هدایة العباد*، قم: دار القرآن الکریم.
- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۹). *مجمع المسائل*، قم: دار القرآن الکریم.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵). *عوائد الأيام*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*، بیروت: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم (۱۴۲۱). *العروة الوثقی*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

Convention on the Rights of the Child, 1989, available on:

<https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/crc.aspx>

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=954>

## References

The Holy Quran

Abu al-Hamd, Abd al-Hamid. 1970. *Tahawwolat Hoghugh Khosusi (Developments Private Law)*, Tehran: University of Tehran. [in Farsi]

Alam al-Hoda, Seyyed Sharif al-Morteza. 2004. *Al-Entesar (Victory)*, Qom: Islamic Publications Institute. [in Arabic]

Ameli Jobai (Shahid Thani), Zayn al-Din ibn Ali. 1993. *Masalek al-Afham ela Tanghih Sharae al-Eslam (Paths of Understanding to Revising the Laws of Islam)*, Qom: Islamic Teachings Institute. [in Arabic]

Ameli Nabti (Shahid Awwal), Mohammad ibn Makki. 1997. *Al-Dorus al-Shariyah fi Feghh al-Emamiyah (Sharia Lessons in Imami Jurisprudence)*, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]

Anwari, Hasan. 2002. *Farhang Bozorg Sokhan (Great Dictionary of Speech)*, Tehran: Speech. [in Farsi]

Ardebili, Ahmad ibn Mohammad. n.d. *Majma al-Faedah wa al-Borhan fi Sharh Ershad al-Azhan (Complex of Interest and Proof in Explaining the Guidance of Minds)*, Researched by Ali Panah Eshtehardi, Hoseyn Yazdi & Mojtaba Eraghi, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]

Bahrani, Yusof ibn Ahmad. 1985. *Al-Hadaegh al-Nazerah fi Ahkam al-Etrah al-Taherah (Fresh Gardens on the Rulings of the Pure Family)*, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]

*Convention on the Rights of the Child*. 1989. available on: <https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/crc.aspx>

Eftekhazadeh, Zahra. 2015. "Tajrobeh Zisteh Zanan dar Ezdewaj Zudhengam (Women's Biological Experience in Early Marriage)". In: *Social Work Assistance Journal*, vol. 3, pp. 109-156. [in Farsi]

Elmi Sula, Mohammad Reza; Mohammadiyan, Ali. 2013. "Mabani Mamnuiyat Estemta az Zojeh Nabalegh dar Feghh Emamiyeh (Principles of the Prohibition of Enjoying an Immature Wife in Imami Jurisprudence)". In: *Strategic Studies of Women*, vol. 62, pp. 177-218. [in Farsi]

- Fazel Abi, Hasan ibn Abi Taleb. 1997. *Kashf al-Romuz (Disclosure of Secret)*, Qom: Islamic Publications Institute. [in Arabic]
- Fazel Meghdad, Meghdad ibn Abdollah. 1984. *Al-Tanghieh al-Rae' le Mokhtasar al-Sharae*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Fazel Mowahhedi Lankarani, Mohammad. 2000. *Tafsil al-Shariah (al-Nekah) (Details of Sharia (Marriage))*, Qom: Jurisprudence Center of the Imams. [in Arabic]
- Habibitabar, Jawad. 2019. *Tashkil Khanewadeh az Manzar Feghh wa Hoghugh Mozueh (Forming a Family from the Perspective of Jurisprudence and Enacted Law)*, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [in Farsi]
- Hakim, Seyyed Mohsen. 1984. *Mostamsak al-Orwah al-Wothgha*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Halabi, Ibn Zohreh. 1997. *Ghonyah al-Nozu*, Qom: Imam Sadeqh (AS) Institute. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1991. *Mokhtalaf al-Shiah fi Ahkam al-Shariah (Shiite Differences over the Rules of Sharia)*, Qom: Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1993. *Ghawaed al-Ahkam (Regulations of Laws)*, Qom: Islamic Publications. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1994. *Tazkerah al-Foghaha (Notes for Jurists)*, Qom: Al al-Bayt (AS). [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 2001. *Tahrir al-Ahkam al-Shariah (Text of Sharia Rules)*, Researched by Sheikh Ebrahim Bahadori, Qom: Emam Sadeqh (AS). [in Arabic]
- Helli, Jafar ibn Hasan. 1989. *Sharae al-Eslam (Rulings of Islam)*, Tehran: Esteghlal. [in Arabic]
- Horr Ameli, Mohammad ibn Hasan. 1996. *Wasael al-Shia (Means of the Shiites)*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=954>
- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1999. *Oyun Akhbar al-Reza (AS) (Selected Words of Imam Reza)*, Tehran: Jahan. [in Arabic]
- Ibn Edris Helli, Mansur ibn Ahmad. 1990. *Al-Saraer (Secrets)*, Qom: Islamic Publications Institute. [in Arabic]
- Ibn Hamzah Tusi, Mohammad ibn Ali. 1988. *Al-Wasilah (The Means)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Ibn Idris, Mohammad ibn Mansur. 1990. *Al-Saraer al-Hawi le Tahrir al-Fatawi*

- (*Secrets of Rules Writing*), Qom: Islamic Publications Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Jafari Langerudi, Mohammad Jafar. 1988. *Terminoloji Hoghugh (Legal Terminology)*, Tehran: Ibn Sina. [in Farsi]
- Jafari Langerudi, Mohammad Jafar. 2002. *Mabsut dar Terminoloji Hoghugh (Extensive in Legal Terminology)*, Tehran: Treasure of knowledge. [in Farsi]
- Kashef al-Gheta, Mohammad Hoseyn. 1940. *Tahrir al-Majallah*, Najaf: Mortazavi Press. [in Arabic]
- Katuziyan, Naser. 1992. *Hoghugh Madani Khanewadeh (Family Civil Rights)*, Tehran: Enteshar Joint-Stock Company. [in Farsi]
- Katuziyan, Naser. 1997. *Hoghugh Madani: Ghawaed Omumi Gharardad-ha (Civil Rights: General Rules of Contracts)*, Tehran: Enteshar Joint-Stock Company in Cooperation with Bahman Borna Company. [in Farsi]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1987. *Al-Kafi*, Tehran: Islamic Books House. In Arabic]
- Madani, Seyyed Jalal al-Din. 1997. *Hoghugh Asasi (Basic Rights)*, Tehran: Soroush. [in Farsi]
- Marashi, Shahab al-Din. 1986. *Menhaj al-Momenin (Path of the Faithful)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad al-Noman. 1990. *Al-Moghneah*, Qom: Islamic Publications Institute. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad ibn Noman. n.d. *Al-Ershad fi Marefah Hojajellah ala al-Ebad (Guidance to the Cognition of the Representatives of God to the People)*, Qom: Islamic Publications Institute. [in Arabic]
- Musawi Golpaygani, Seyyed Mohammad Reza. 1989. *Majma al-Masael (Collection of Issues)*, Qom: Holy Quran House. [in Arabic]
- Musawi Golpaygani, Seyyed Mohammad Reza. 1993. *Hedayah al-Ebad (Guidance of Servants)*, Qom: Holy Quran House. [in Arabic]
- Musawi Khoyi, Seyyed Abu al-Ghasem. 1990. *Menhaj al-Salehin (Path of the Righteous)*, Qom: Publication of the City of Knowledge. [in Arabic]
- Musawi Khoyi, Seyyed Abu al-Ghasem. 2017. *Mabani Takmelah al-Menhaj (Fundamentals of Completing the Path)*, Qom: Al-Elmiyah. [in Arabic]

- Musawi Khoyi, Seyyed Abu al-Ghasem. n.d. *Mawsuah al-Emam al-Khoyi*, Najaf: Al-Khoyi Islamic Institute. [in Arabic]
- Najafi, Mohammad Hasan. 1984. *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam (The Jewel of the Words in the Explanation of the Islamic Law)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Naraghi, Ahmad ibn Mohammad Mahdi. 1996. *Awaed al-Ayyam (Profits of Times)*, Qom: Publishing Center of Islamic Propaganda Office. [in Arabic]
- Nuri, Hoseyn ibn Mohammad Taghi. 1988. *Mostadrak al-Wasael*, Beirut: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Ragheb Esfahani, Hoseyn ibn Mohammad. 1992. *Mofradat Alfaz al-Quran (Glossary of Quranic Terms)*, Beirut: Al-Ghalam House. [in Arabic]
- Safayi, Seyyed Hoseyn. 1972. *Adam Ejray Taahhod wa Athar An (Non-fulfillment of Covenant and Its Effects)*, Tehran: Journal of the Higher Institute of Accounting. [in Farsi]
- Safayi, Seyyed Hoseyn. 1976. *Mafahim wa Zawabet Jadid dar Hoghugh Madani (New Concepts and Regulations in Civil Law)*, Tehran: Research Center. [in Farsi]
- Safi Golpaygani, Lotfollah. 1996. *Hedayah al-Ebad (Guidance of Servants)*, Qom: Holy Quran House. [in Arabic]
- Sanad, Mohammad. 2008. *Sanad al-Orwah al-Wothgha (Ketab al-Nekah)*, Qom: Fadak Press.
- Tabatabayi Karbalayi, Ali ibn Mohammad. 1998. *Riyaz al-Masael*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Tabatabayi Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem. 1989. *Al-Orwah al-Wothgha*, Beirut: Al-Alami Institute for Publications. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1946. *Tahzib al-Ahkam (Refinement of Rulings)*, Tehran: Islamic Books House. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1991. *Al-Khelaf (Dispute)*, Qom: Islamic Publications Press. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 2008. *Al-Mabsut fi Feghh al-Emamiyah (Extensive in Imami Jurisprudence)*, Tehran: Mortazavi Library. [in Arabic]
- Yazdi, Mohammad Kazem Abd al-Azim. 2000. *Al-Orwah al-Wothgha*, Qom: Islamic Publishing Institute.